

۱-۲. سبک شناسی شعر فارسی، محمد غلامرضایی، چاپ اول، تهران، نشر جامی،
۱۳۷۷، ۵۱۲ صفحه.

متن کتاب سبک شناسی شعر فارسی ساده و روان است و نویسنده سعی کرده واژگان و ترکیباتی را که شاید برای دانشجویان قابل فهم نباشد توضیح دهد. به طور مثال در صفحات ۴۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۰، ۲۶۷، ۲۸۶، ۲۹۰، ۴۴۸ واژگان و اصطلاحات دشوار توضیح داده شده است. اما در عین حال گاهی برخی از واژه های مشکل که البته تعدادشان اندک است و شاید برای دانشجویان مشکل باشند معنا نشده اند. مثل صفحه ۱۲. مؤلف در صدد برآمده تا در متن کتاب قواعد نگارشی و ویرایشی و علایم سجاوندی را رعایت کند و جملات را دستورمند بنویسد. این خصوصیت در تمام کتاب دیده می شود. اما گاهی نیز جملات به گونه ای نظم یافته که مخاطب غیر آشنا به راحتی با موضوع ارتباط برقرار نمی کند. به علاوه در بعضی موارد متن به کلام شفاهی و محاوره ای نزدیک شده است (ر.ک. ص ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۲۴ و ۲۴۸).

حجم زیاد کتاب موجب شده که متن از حالت و شکل یک متن آموزشی خارج شده و گاه عامل بی انگیزگی دانشجو شود.

فهرست مطالب کتاب کاستی‌هایی دارد. به طور مثال در آن عنوان فهرست منابع و فهرست اعلام ذکر نشده است.

استفاده مؤلف از اصطلاحات تخصصی مطلوب است و به اندازه کافی از اصطلاحات تخصصی استفاده شده است. مؤلف واژه سبک را به لحاظ لغوی و اصطلاحی با عنایت به سابقه آن در نزد ایرانیان و اعراب و یونانیان و غربیان بررسی کرده است و جنبه‌های فکری، ادبی و صوری و زبانی سبک را باز نموده است. لیکن برخی اصطلاحات و واژه‌هایی را چون ساختارگرایی و مفاهیمی که مبتنی بر مکاتب سبک‌شناسی است توضیح نداده است و متأسفانه در این کتاب از آنها اثری نیست و این امر موجب گردیده است که مؤلف محترم بیشتر به سبک دوره‌ای بپردازد و دانش سبک‌شناسی و مکاتب آن را وانهد. در واقع شیوه مؤلف همان شیوه مؤلفان تاریخ ادبیات است.

مؤلف در ابتدای هر فصل مقدمه‌ای متناسب با محتوای فصل ارائه داده است و برای تفهیم سبک دوره‌ای آن را به بخش‌هایی تقسیم کرده و هر بخش را از جنبه‌های صوری و زبانی و ادبی و فکری بررسی نموده است و با این شیوه بحث پیرامون سبک دوره‌ای ساده شده و هم درک و یادگیری آن برای دانشجویان آسان گردیده، اما در این کتاب از جداولی که گویای میزان بسامد کاربرد واژگان و ترکیبات و خصوصیات که برای شاعر عادت شده است و زاویه دید وی را بنمایاند، خبری نیست. ایرادی که به کتاب وارد است همانندی آن با تاریخ ادبیات است. در صورتی که تاریخ ادبیات بخش کوچکی از سبک‌شناسی است.

در سبک‌شناسی وقتی خصوصیات زندگی مطرح می‌شود که بتواند راهی به کشف ویژگی سبکی شاعر بگشاید، وگرنه توجه بدون نتیجه به آن خالی از لطف است.

کلیات، انواع، نقد و فنون ادبی ۲۱

از نمونه های نوآوری که در این اثر وجود دارد می توان به دو نمونه اشاره کرد :

۱. تقسیم بندی جدید دوره های سبک؛

۲. شیوه پرداختن یکسان به تبیین سبکی دوره های اصلی و مهم.

پیشنهاد می شود حجم زیاد و مطالب اضافی و زاید کتاب که آن را از حالت آموزشی دانشگاهی خارج ساخته کمتر گردد. به علاوه بخش عمده حجم کتاب به مباحث سبک های دوره ای اختصاص یافته است. این مباحث عمدتاً همانهایی است که در کتاب های تاریخ ادبیات و در مقدمه های دواوین شاعران ذکر شده است. مثلاً مؤلف محترم مشخص نکرده که چه ارتباطی بین ساختار اجتماعی ادبی هر دوره است و چرا در یک دوره ادبی قصیده رواج تام دارد و در دوره ای دیگر فراموش می گردد و یا مثلاً ذهنیت گرایی شاعران قرن هفتم در این خصوص چه زمینه هایی دارد و ارتباط آن با قالب های ادبی، و نیز انواع ادبی در چیست؟ و یا این سوال که «مباحث سبک شناسی به طور مشخص با کدام یک از عناصر ادبی و شعری مثل قالب، مضمون، محتوا، عاطفه، زبان و... مرتبط است؟» بی پاسخ مانده است.

در این کتاب همچنین از بحث پیرامون فرق مضمون با محتوا سخنی نیست. ارتباط مضمون و محتوا در چیست و این دو با طرز تعبیر و نیز با زاویه دید چه پیوندی دارند و نمود اینها در زبان چیست و چگونه است. بحث دیگری که مغفول مانده بحث مکاتب سبک شناسی همانند مکاتب سبک شناسی توصیفی، نقش گرا، ساختاری و... است که این بحث به روش های سبک شناسی و تحلیل متن ادبی با عنایت به نظریه های مبتنی بر نقد ادبی و پیوند این دو مقوله مهم ادبی مربوط می شود که باید بدان پرداخته شود.